

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

بند دست

در ماه می سال 2006 برای شاعر پرورش و مردمی جناب اسیر صاحب حادثه ای رخ داد که به اثر آن به یک دست شان صدمه وارد گردید. با شنیدن این خبر متأثر شدم و طی چند بیت گله از روزگار نمودم و به خدمت اسیر صاحب فرستادم. جناب شان همینکه بهتر گردیدند ضمن منظومه ای شیوا جوابی نگاشتند که اینک هردو منظومه از نظر خوانندگان گرامی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگذرد:

شنیدم کـــــــــــــه در پله نردبان	بلغـــــــــــــــــ زید پایت تلولو کنان
بیفـــــــــــــــــ تادی و بند دستت شکست	دل دوستان از شکستت شکست
فلک تلخی آرد به اهل خرد	دهد کـــــــــــــــــ اسه شهد بر بیخرد
نرنجید دستیکه بی مایه بود	که چون شاخ بی بار و بی سایه بود
ولیکن چنین پنجه ای پر هنر	بباید که گـــــــــــــــــ درد دچار خطر
کنم شکوه از گردش روزگار	که وارونه میگـــــــــــــــــ درد اندر مدار
الا ای اسیری که آزاده ای	به اشعار پرشور، جان داده ای
بکن فکر اشعار نغز دگر	مر آزادگان را نباشد خطر

که تیمور به اشعار رو آورد

شراب کـــــــــــــهن در سیو آورد

(المان – 17 جنوری 2012)

جواب فخر الشعراء، استاد محمد نسیم "اسیر"، در صفحه بعدی

جواب جناب اسیر صاحب

عزیز گرانقدر من تیموری	ز عمر و ز روزی خود بر خوری
مرا پای لغزید و بازو شکست	ترا این خبر سخت آزد و خست
دل پاک تو خسته و خون مباد	مہین خاطر ت هیچ محزون مباد
فلک اینچنین فتنہ بازی کند	چو خواهد ہمین ترک تازی کند
گہی شادی و گاہ خواری دهد	گہی زور و یک روز زاری دهد
گہی شہد بخشد بکام اندرون	گہی زہر ریزد بہ حلق و گلون
مرا دید لـرزندہ و ناتوان	بلغـزاند پایم تلالو کنان
بر افتادم و بند دستم شکست	چنینش مگر بود این بند و بست
بہ گردن اگرچہ بود دست بند	ولی دل قوی است و ہمت بلند
کہ از عزم راسخ نیفتادہ ام	ور افـتادہ ام باز ایستادہ ام
مرا تا نفس ہست خواہم نوشت	کہ است این نوشتن مرا در سرشت
ز دست ار فتادم نیفتم ز پا	مدد خـواہم از بارگاہ خدا

کہ در آستان ادب پروری

تو کُل بود مایہ سروری